



پنجشنبه 27 آبان 1395 - 17 صفر 1437 - 17 نوامبر 2016

آیت الله شیخ مرتضی آشتیانی متخلص به شعله، فرزند میرزا محمدحسن مجتهد آشتیانی در سال 1243 ش (1281 ق) در بیت رفیع مرجعیت و اجتهاد، در تهران به دنیا آمد.

حلت عالم مجاهد ه فقه حلیا، آیت الله "شیخ متضّر، آشتیان" (1325 ش)،

آیت الله شیخ مرتضی آشتیانی متخلص به شعله، فرزند میرزا محمدحسن مجتهد آشتیانی در سال 1243 ش (1281 ق) در بیت رفیع مرجعیت و اجتهاد، در تهران به دنیا آمد. وی پس از فراگرفتن مقدمات و سطوح، و نیز پس از استفاده از محضر والد بزرگوارش، راهی نجف اشرف شد و از درس خارج استادانی همچون میرزا حبیب الله رشتی و آخوند ملامحمد کاظم خراسانی بهره‌مند گردید تا به مدارج عالیّه اجتهاد و فقاہت رسید. آیت الله مرتضی آشتیانی سپس به ایران مراجعت نمود و در تهران به تدریس و اقامه جماعت مشغول شد. او در نهضت تحریم تنباکو، در کنار پدرش برای پیشبرد اهداف نهضت فعالیت کرد و بعد از پدرش، در تهران مرجعیت روحانی یافت. آیت الله مرتضی آشتیانی در جریان انقلاب مشروطه نیز یکی از رهبران روحانی در تهران بود که به همین خاطر، عین الدوله، از رجال قاجار، او را از تولیت مدرسه مروی برکنار نمود. ایشان همراه با سایر علمای تهران برای پیشبرد امر مشروطه به حرم حضرت عبدالعظیم مهاجرت کرد و تحصن گزید. وی تا آخر کار، مشروطه خواه باقی ماند و پس از فتح تهران توسط مشروطه‌طلبان و قبل از کودتای رضاخان در 1299 ش، به مشهد کوچید و وظایف دینی خود را دنبال کرد. آیت الله آشتیانی در جریان کشف حجاب، به همراه دیگر بزرگان شهر نامه اعتراض خود را به رضاخان پهلوی فرستاد که متعاقب آن، دستگیری علمی مشهود و قیام خونین مسجد گوهرشاد شکل گرفت. ایشان در کنار امور سیاسی و اجتماعی، به لحاظ اخلاص به اهل بیت، زبانزد خاص و عام بود به طوری که تمام موالید و وفیات اهل بیت را برپا نموده و با وجود کهولت سن از مردم پذیرایی و گاه خود مدیحه خوانی می‌نمود. ایشان دارای مکاشفات و رؤیاهای صادقه نیز بوده است. آیت الله مرتضی آشتیانی سرانجام در 27 آبان 1325 ش برابر با 23 ذیحجه 1365 ق در 82 سالگی دارفانی را وداع گفت و در حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد. میرزا محمود آشتیانی، حکیم و فقیه معاصر و اسماعیل آشتیانی، نقاش بزرگ، از فرزندان اویند.

تولد "سلطان القراء تبریزی" قاری شهیر قرآن و دانشمند علم قرائت (1255 ق)

شیخ عبدالرحیم بن ابوالقاسم تبریزی معروف به سلطان القراء یا شاه قرآن خوانان در 1255 ق در تبریز به دنیا آمد. وی در علم تجوید در عصر خود استاد بود و شاگردان فاضلی در این زمینه تربیت نمود. از تالیفات وی رساله‌ای است در علم تجوید به نام "دُر المنثور" و رسایل دیگر. سلطان القراء پس از فراگیری این علم نزد پدر، با شیخ شامیل داغستانی آشنا شد و هنگامی که شیخ شامیل ارتشی فراهم آورده بود تا علیه روس‌ها قیام کند، وی برای همراهی با این نهضت با شیخ شامیل به سوی داغستان عزیمت کرد. سپس به تبریز بازگشت و حوزه‌ی درسی جهت قرائت قرآن تشکیل داد و از آن زمان به برترین قاری قرآن کریم لقب یافت. سلطان القراء در سال 1336 ق در 81 سالگی درگذشت.

گشایش کانال سوئز در مصر و اتصال دریای سرخ و مدیترانه (1869 م) طرح اتصال دریای سرخ و دریای مدیترانه، به روزگار باستان باز می‌گردد و گفته می‌شد که این طرح، اولین بار در زمان حکومت هخامنشیان عملی گردید. اما این کانال پس از چندی در زیرشن‌های بیابان پرشد و آثارش از میان رفت. بیش از 23 قرن بعد، اوج‌گیری رقابت‌های انگلستان و فرانسه در قرن نوزدهم و تلاش هر کدام از آنها در برتری‌جویی نظامی - تجاری باعث شد تا بار دیگر این طرح عنوان شود و این بار فرانسه به عنوان یک قدرت صنعتی - نظامی و در حقیقت به عنوان یک دولت استعماری درصدد برآمد تا ساخت این کانال را عملی سازد. از این رو، طرح حفر کانال در سال 1854 م توسط یک مهندس فرانسوی به نام فردیناند دول تهیه شد و کار حفر آن از 25 آوریل 1859 م آغاز گردید. در این میان، از آن جا که بین فرانسه و انگلیس، رقابت آشکاری در میان بود، انگلستان از ارائه هر نوع کمک به فرانسه مضایقه نمود، چرا که حفر کانال به قدرت فرانسه می‌افزود. بنابراین فرانسویان بدون کمک از هیچ کشوری به تنهایی اقدام به این کار نمودند و ظرف مدت ده سال، با هزینه‌ای بالغ بر چهارصد میلیون فرانک، این پروژه را به اتمام رساندند. طول این کانال حدود یکصد و هفتاد کیلومتر، عرض آن 60 متر و عمیق‌ترین نقطه آن، 22 متر عمق داشت که بعدها وسعت بیشتری یافت به طوری که عرض آن به 200 متر رسید. کانال سوئز در 17 نوامبر 1869 م طی تشریفات گسترده با حضور امپراتور فرانسه و عبور کشتی حامل وی، افتتاح شد. علت حفر کانال سوئز توسط فرانسه این بود که در آن زمان، سرزمین مصر تحت استعمار فرانسه قرار داشت و با حفر این کانال، راه ارتباط دریایی اروپا به طرف ساحل شرقی قاره آفریقا و شبه قاره هند و شرق آسیا بسیار کوتاه گردید. این کانال منافع اقتصادی ویژه‌ای برای مصر فراهم آورد و تجارت منطقه را تحت تأثیر قرار داد چرا که مسیر عبور کالا از آسیا و اقیانوسیه به اروپا را بسیار کاهش می‌داد. همچنین کانال سوئز مرز بین دو قاره آسیا و آفریقا به شمار می‌رود.